

ضمایر [او]

زندگی نوشت سعید تشکری

برای نایبان امام زمان^(عج)

رمان «چهار فانوس» بعد از ۴۰ روز چاپ دومی شد

سعید تشکری آن قدر نویسنده تثبیت شده‌ای است که حالا اگر بشنوم کتابی از او به سرعت به چاپ‌های بعدی می‌رسد تعجب نکنیم؛ رمان نویسی که بیشتر دل در گروی تئاتر دارد و هوداداران خود به‌ویژه در خراسان. ماچرا از این قرار است که تازه‌ترین کتاب او یعنی «چهار فانوس» به همت انتشارات جمکران برای دومین بار چاپ شد. این کتاب که به زندگی و زمانه نواب خاص امام زمان(عج) می‌پردازد پس از ۴۰ روز به چاپ دوم رسیده است. خبر را خبرگزاری فارس منتشر کرده و نوشته؛ عصر غیبت صغری ویژگی‌های منحصر به‌فرد خود را دارد؛ وحشت اولین مواجهه جامعه شیعی خلأ ظاهری امام شیعه همراه با خفقان شدید حاکم بر شیعه، نیاز تدبیر خاص رهبری جامعه را دوچندان کرده بود.

سازمان وکالت که از سال‌ها قبل به‌تدریج در زیر پوست امت اسلامی ریشه دوانده بود، اکنون به مرحله بلوغ و آزمون سخت خود رسیده بود. در رأس این شبکه عظیم نواب خاص امام زمان(عج) بودند که یکی بعد از دیگری واسطه میان جامعه شیعی با امام زمان(عج) را به بهترین نحو ایفا کردند. شناخت این چهار فانوس برای هدایت شیعه در عصر توفانی غیبت صغری آموزه‌های خاصی را به همراه خواهد داشت.

سعید تشکری به سفارش انتشارات جمکران سراغ این برش خاص از تاریخ شیعه رفته و «زندگی نوشت چهار نایب خاص» امام زمان(عج) را به نحو شایسته به اتمام رساند.

در بخشی از کتاب آمده است: «صدایی از جمع برخاست. ابومحمد بود، گویی دیگر تابی در سینه‌اش نمانده بود که منتظر بماند و حرف‌های باقی را به گوش خود فرو دهد. سکوت، جرم بود در هیاهوی گمراهی و باید قفل زبان را می‌گشود.

حیاًکنید و از خدا بترسید! این چه هنگامه‌ای است؟ نام شما را هم می‌شود گفت شیعه؟ شیعه این‌گونه معنا می‌یابد در دوری از مولایش؟ آیا امام برای جانشینی هر یکی از وکلایش از ما اجازه خواست که این‌گونه برسر یکدیگر فریاد می‌زنید و می‌خواهید یکدیگر را بدرانید؟ آیا نظر ما را پرسید که ابن روح را برگزید یا عمری را یا فرزندش را، که حال به جان هم افتاده‌اید؟

تمام کنید این هنگامه را. هنوز کفن «ابن روح» خشک نشده که دو دسته شده‌اید و شاید چند دسته. خدا می‌داند که این فرقه‌فرقه‌کردن شیعه به دست شما تا به کی ادامه خواهد داشت؟ مگر هر کدام که عقلی برای خود می‌پندارد باید راهی جدا برای خود بسازد و عده‌ای ساده‌انگار و ساده‌لوح را در پی خویش کشد؟ حال باور می‌کنم که چگونه شک در عمق جان ملتی راه می‌یابد و ایمان‌شان را چون خوره نابود می‌سازد. کار را به جایی رسانده‌اید که دستور امام و وکیلش را زیر سؤال می‌برید. مگر شما در مجالس خود، کوفیان را لعن و نفرین نمی‌کنید؟» اکنون چهار فانوس پس از ۴۰ روز به چاپ دوم رسیده و کارشناسان از استمرار اقبال عمومی به این‌کتاب سخن می‌گویند. استقبال از این دست کتاب‌ها در شرایط اقتصادی فعلی جامعه نشان از استمرار جذابیت‌مطالب اصیل برای عموم مردم دارد، به شرط آن‌که قالب مناسب و قلم توانا برای موضوعات پکر و جذاب انتخاب و استفاده شود. چهار فانوس به قلم سعید تشکری و به همت انتشارات جمکران در ۲۲۲ صفحه به چاپ دوم‌رسید.



سمفونی استیصال در گالری ویستا

گالری ویستا میزبان نمایشگاه برنده سومین جایزه هنر معاصر ویستا، حمیدرضا آزاد است؛ «سمفونی استیصال» عنوان این نمایشگاه است که در مدیوم چیدمان ارائه شده است. به گزارش جام جم، حمیدرضا آزاد برای معرفی ایده‌ای که توانست جایزه ویستا سوم را از آن خود کند، نوشته است: «در نظر بگیریم مکانی را که تمامی صوت‌ها

اسمروریانیان

روزنامه‌نگار

در آنجا گرد هم می‌آیند و در تکراری ابدی به سر می‌برند، مخاطب می‌تواند الگوهای نامنظمی از صدا، که تشکیل شده از صدای چیزهایی است که قادر به تولید صوتند را دریافت کند. در این مجموعه، تلاش بر این است که تجربه حضور در مکانی فراهم شود که به واسطه صوت تاریخی بایگانی شده برای مخاطب نشر یابد، هر چند غیرخطی

نگاهی به دخترانی که کمپانی دیزنی طی تقریباً یک قرن به زنان جهان معرفی کرده است

پرنسس‌های شاد یا قهرمان‌های مفلوک دیزنی

🔗 زنان و دختران جهان طی تقریباً یک قرن اخیر تحت تأثیر کاراکترهای دیزنی بوده‌اند؛ این کمپانی بیشتر از هر کمپانی یا استودیوی دیگری در جهان، زنان و دختران قهرمان را به کودکان جهان معرفی کرده است و تعداد انیمیشن‌هایی که با محوریت زنان از این کمپانی انیمیشن‌سازی بیرون آمده‌اند، درصد قابل اعتنایی از تولیدات آن رانیز شامل می‌شوند. شاید از روز

۱۶اکتبر ۱۹۳۳ که والت دیزنی، استودیوی کوچکش را با مشارکت برادرش روی دیزنی راه‌اندازی کرد، استراژی صدساله نداشت و این میزان تأثیرگذاری را پیش‌بینی نمی‌کرد اما ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم دیزنی بدون هدف و برنامه پیش‌رفته و این استمرار و نفوذ اتفاقی بوده است. بنابراین بد نیست نگاهی

داشته باشیم به زنانی که در یک قرن گذشته برای دختران جهان در تئور دیزنی پخته شده و الگوهایی که این غول انیمیشن‌سازی به دختران معرفی کرده است. البته بسیاری از شخصیت‌های انیمیشن‌های دیزنی و به‌ویژه پرنسس‌های این کمپانی از داستانی‌های فولکلور برآمده‌اند اما سیر تحولی آنها از سفیدبرفی تا السا و آنا در یخ‌زده از فرآیندی متأثر از جنبش‌های زنانه در جهان حکایت دارد.



قهرمان‌های اولیه

تولیدات دیزنی

عمدتاً دخترانی

منفعل بوده‌اند

که به انتظار پخت

و اقبال نشسته

و چشم‌به‌راه

شاهزاده‌ای

سوار بر اسب

سفید روزگار

می‌گذرانده‌اند

دو داستان به شرق است. داستان علاالدین در خاورمیانه روایت می‌شود و قصه مولان ریشه در افسانه‌های چین باستان دارد.

آغاز قهرمانی برای دختران دیزنی؛ در نیمه دوم قرن بیستم، قهرمانان دیزنی به‌خصوص دخترانی که این کمپانی به‌عنوان الگو به جامعه زنان و دختران جهان معرفی می‌کند به لحاظ اندیشه‌ای و عملکردی دچار تحول می‌شوند و تا اندازه‌ای از چارچوب‌ها و تعاریف سنتی فاصله می‌گیرند. در قرن بیستم و یکم اما شاهد تغییر رویکرد بسیار محسوس‌تری در قهرمانان دیزنی هستیم و دیگر از دخترکان نگویند بخت و قربانی سرنوشت در آثار کمپانی دیزنی در این دوره خبری نیست. این قهرمانان صاحب نگاه و اندیشه هستند و از موجودات واکنشی به شخصیت‌های کنش‌مند بدل می‌شوند. به‌عنوان نمونه در انیمیشن گیسوکنند محصول سال ۲۰۱۰، رایونزل به‌عنوان یک دختر قربانی سرنوشت از جایی تصمیم می‌گیرد به‌دنبال رویاها و خواسته‌هایش برود و از جهان تنگ و تاریک و محدودی که سرنوشت توسط یک نامادری نامهربان برایش ساخته، بیرون برزند. در انیمیشن دلیر که سال ۲۰۱۲ ساخته شد و نیز در انیمیشن یخ‌زده محصول سال ۲۰۱۳ نیز دخترانی را می‌بینیم که داستان زندگی آنها برگرفته از قصه‌های پریان است و متأثر از جادو و اما رایونزل گیسوکنند، مریدی دلیر و السا و آنای یخ‌زده، همچنان نمونه‌ای از همان دخترکان شناخته شده در آثار دیزنی هستند که براساس فرمول‌های تعریف شده در سنت داستان‌گویی دیزنی شکل گرفته‌اند اما از جایی به بعد، به‌مثابه یک قهرمان ظاهر می‌شوند و در همان چارچوب‌های تعریف شده، اندکی پا را فراتر می‌گذارند و تا حدی سرنوشت خود را به‌دست می‌گیرند.

چرخش یادو اثر سینمایی؛ از نیمه دوم قرن بیست ویکم، کمپانی دیزنی بهره‌برداری از قصه‌های پریان را رها می‌کند و سراغ قصه‌های مدرن می‌رود اما این تغییر مسیر غیرمنتظره، ضمن تولید و عرضه دو اثر بسیار متفاوت صورت می‌گیرد؛ دو فیلم زنده انیمیشنی به سوی جنگل و مالفیستست در سال ۲۰۱۴ از صندوقچه جادویی دیزنی

خودخواهش رهایی یابد که دست سرنوشت از آستین فرشته مهربان و پسر پادشاه به کمکش می‌آید. در مسیر این رهایی سیندرلا به عنوان یک قهرمان، عملکرد به‌خصوص یا حتی اندیشه و دیدگاه قابل تاملی ندارد و به یک قربانی بیشتر شباهت دارد تا به یک قهرمان. **یک قدم به سوی قهرمانی**؛ شخصیت‌های دیزنی در آثار اولیه به معنی واقعی قهرمان نیستند و فقط می‌توان عنوان نقش اصلی را به آنها اختصاص داد اما به مرور شمایل نقش اصلی‌های کمپانی دیزنی دستخوش تغییر شد و دل آثار این کمپانی، شخصیت‌هایی ظهور کردند که قدرت و عاملیت بیشتری داشتند. به عنوان نمونه آریل در انیمیشن پری دریایی محصول سال ۱۹۸۹ نقش اولی است که گرچه تا اندازه‌ای همچنان متکی به بخت و اقبال و همچنان اسیر دست سرنوشت ظاهرشده اما از شخصیتی فعال و تا اندازه‌ای عاصی و نافرمان برخوردار است. در انیمیشن دیو و دلبر محصول سال ۱۹۹۱ نیز می‌توان قهرمانی با همین ویژگی‌ها را شاهد بود. بل گرچه همچنان گرفتار کج‌تابی‌های سرنوشت است اما شخصیتی منفعل و تأثیرپذیر ندارد و برای تغییر شرایط دست به عمل می‌زند و تا حدی کنشگر ظاهر می‌شود.

ناگهان یک فراری از ازدواج؛ سیر تحولی قهرمانان انیمیشن‌های دیزنی در ابتدای قرن بیستم به یک بزنگاه قابل توجه می‌رسد. همچنان که سرنوشت نیست و بل مثل بیشتر قهرمانان اولیه دیزنی به یک عشق رمانتیک گره خورده است، جاسمین در انیمیشن علاالدین محصول سال ۱۹۹۳ دختری است که برای ازدواج‌کردن به عشق در یک نگاه و ماجراهای عاشقانه بسنده نمی‌کند؛ او نگاه و معیار دارد و از پرنسس‌های مفلوک اولیه فاصله دارد. کمی بعد سال ۱۹۹۸ هم دیزنی در انیمیشن مولان دختری را به نمایش می‌گذارد که اسیر سرنوشت نیست و برای حفظ جان پدرش و کمک به ارتش وارد میدان جنگ می‌شود. گرچه او شمایل یک قهرمان را دارد اما با هویت زنانه وارد کارزار نمی‌شود و برای کنش‌مندی نیازمند ظاهری مردانه است. نکته قابل اعتنا درباره این دو انیمیشن، تعلق هر

است؛ از میکی‌موس تا سیندرلا و جودی و السا و کوکو و دیگران. این قهرمانان طرز تفکر، عمل و بینش کودکان سراسر جهان را تحت‌تأثیر قرار داده و توانسته‌اند نگرش و رویکرد موردنظر کمپانی دیزنی را در جهان تسری بخشند.

قهرمانانی که توسط آثار دیزنی به کودکان جهان معرفی شده‌اند، طی حدود یک قرن، سیر تحولی مشخصی طی کرده و به‌خصوص بر دختران جامعه تأثیرات شگرفی داشته‌اند. نگاه و نگرش، شخصیت و حتی نوع پوشش این قهرمانان مورد توجه و الگوبرداری کودکان جهان بوده است.

🔗 دختران دیزنی چطور خلق می‌شوند؟

کمپانی دیزنی در تولیداتش و به‌خصوص در آثار سینمایی، کارش را با داستان‌های کلاسیک و فولکلور آغاز کرد. قهرمان‌های اولیه تولیدات دیزنی عمدتاً دخترانی منفعل بوده‌اند که به انتظار بخت و اقبال نشسته و چشم‌به‌راه شاهزاده‌ای سوار بر اسب سفید روزگار می‌گذرانده‌اند. سفیدبرفی در انیمیشن سفید برفی محصول ۱۹۳۷، سیندرلا در انیمیشن سیندرلا محصول سال ۱۹۵۰ و رزدر انیمیشن زیبای خفته محصول سال ۱۹۵۹ نمونه واضح و روشنی از این قهرمانان منفعل و حتی مفلوک هستند.

دختران معصوم و نامادری‌های بی‌رحم؛ تا نیمه‌های قرن بیستم، قهرمانان دیزنی الگوها و معیارهایی را برای کودکان و به‌خصوص دختران سراسر جهان تعریف کرده‌اند که از ابتکار عمل، قدرت تامل و تفکر بی‌بهره بودند. این قهرمان‌ها که از دل داستان‌های فولکلور و عمدتاً از نوشته‌های برادران گریم بر اساس داستان‌های پریان، پا به عرصه وجود نهاده بودند، بیشتر از آنکه تأثیرگذار، سرنوشت‌ساز و اقدام‌کننده باشند تحت‌تأثیر سرنوشت، پذیرای آن و منفعل ظاهر می‌شدند. نمونه بارز چنین قهرمانی سیندرلا است؛ او زمانی می‌تواند از وضعیت اسف‌بار زندگی با نامادری بی‌رحم و خواهران ناتنی



فاطمه ترکاشوند

ادبیات و هنر

روزی‌هایی بود که اغلب وقتی از خودمان می‌پرسیدیم برای بومی‌سازی کاراکترهای انیمیشن خصوصاً زنان چه کرده‌ایم، بسیاری درمندان به پاسخ می‌دادند تاریخ روایت‌نشده نمی‌تواند منبعی برای اقتباس مستقیم و البته جذاب برای کودکان باشد. آن هم دخترپچه‌هایی که با انبوه تصاویر و شمایل‌های پرنسس‌های آمریکایی بمباران شده‌اند و ما چه از لحاظ تکنیکی و جذابیت‌های بصری و چه از نظر محتوایی برای تامین آنچه لازم است در مضیقّه شدید هستیم.

اما دست‌کم در دهه ۹۰ موجی از کتاب‌ها، خاطره‌نگاری‌ها و زندگی‌نامه‌ها با روایت زنان یا حتی سویی‌های زنانه به بازار آمد که بعضی از آنها نه‌تنها رکورد فروش کتاب‌های دفاع مقدسی بلکه رکورد فروش کتاب‌های عمومی از رده خودشان را هم شکستند. «دا» اولین نمونه‌ای است که هنوز هم در میان کتاب‌های دفاع مقدسی روایتی زنانه و قهرمانانه با شخصیت اصلی زن محسوب می‌شود و در میان آثار دفاع‌مقدسی و البته کتاب‌های تاریخ معاصر موج آفرین بود که هم تاریخ را به روایت ادبی نزدیک کرد

زنانی که نشناخته‌ایم در پستوی کتاب‌ها منتظر قصه گفتن هستند

منحصر به فرد و روایت نشده

و هم شمایل بومی یک زن قهرمان را به تصویر کشید و هم مورد توجه خوانندگان قرار گرفت. «فرنکس» شمایل زنی جنگجورا که در تنگنای اقتضانات جنگ، بی‌محابا به خط می‌زد در میان دختران نوجوان طرفداران زیادی پیدا کرد همان‌طور که زنی کاملاً متفاوت با روحيات ظریف دخترانه در کتاب «دختر شینا» به‌طور گسترده خوانده شد. کتاب «من زنده‌ام» تصویر منحصربه‌فرد دیگری از یک زن در بحبوحه تاریخ معاصر را به میان طیف وسیعی از خوانندگان آورد و «خاطرات سفیر» بدون آن که بخواهد بخشی از روایت تاریخ را به دوش بکشد، شمایل دختری مستقل و سفرکرده به سرزمینی ناآشنا در اروپا را به تصویر کشید و خوانده شد.

به غیر از منابع فولکلور در ادبیات داستانی کشور و البته منابع غنی ادبیات کلاسیک همچون شاهنامه، بدون تردید، زنانی که به تاریخ و زیست امروز مردم نزدیک باشند از جذابیت‌های متفاوتی برخوردارند. این شمایل‌ها با یکدیگر رقیب نیستند بلکه تنها دنیاهای متفاوتی از زنان را به مخاطب ایرانی عرضه می‌کنند و اگر نویسندگان و تولیدکنندگان محتوای تصویری این منابع را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار دهند، محصول آن بانوانی دیده نشده در جهانی جدید خواهد بود.